

۲۶۹۱

ایران در ایران
۱۳۵۰
۹
۱۳۵۰

دانشگاه ملی ایران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه

برای دریافت درجه لیسانس

موضوع :

(اوضاع اجتماعی ایران در عصر صفوی)

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر شعبانی

نگارش

محسن جوادیان ارزاقی

۲۶۹۱

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف	مقدمه
	فصل اول طبقات اجتماعی و وضع عمومی زندگی مردم در عصر صفوی
۱	۱- نگاهی کلی باوضع ایران در آغاز کار صفویه
۴	۲- پیدایش طبقه ای جدید بنام قزلباش
۶	۳- طبقه ثووال
۹	۴- وضع زندگی سایر قشرهای اجتماع (طبقه عامه)
۱۴	۵- اصلاحات اجتماعی شاه عباس کبیر
	فصل دوم : روابط فئودالی در ایران و نحوه تقسیم اداره زمین و
	آب در قرن یازدهم هجری .
۲۲	۱- روابط فئوالی و تقسیمات زمینی .
۲۲	۲- تقسیم آب (آبیاری مزارع وستانها)
۳۵	۳- وضع مایحتاج عمومی و محصولات کشاورزی و دامداری
۴۰	۴- بازرگانی و وضع پیشه وران و صنعتگران
۵۳	۵- مسافرتهايش که در عصر صفویه با ایران انجام یافت
	فصل سوم : سازمان اداری و حکومتی (مناصب و مشاغل رسمی - درآمد
	دولت " مالیاتها" و حقوقها "
۵۱	۱- حکومت و سازمان اداری و مناصب رسمی .
۶۵	۲- مناصب روحانی

صفحه

عنوان

۶۷	۳- سایر مناصب کشوری
۶۹	۴- قسمتی از مقرره‌ها و حقوقها .
۷۷	۵- مالیاتها و خزاجها در عصر صفوی
	فصل چهارم: رسمی شدن مذهب شیعه در ایران و اثرات آن بر اجتماع (وضع اقلیت های مذهبی)
۸۷	۱- شرح مختصری در مورد چگونگی رسمیت یافتن مذهب شیعه
۹۴	۲- تأثیر مذهب شیعه بر اجتماع و نتیجه آن
۹۶	۳- اقلیت های مذهبی و چگونگی زندگی آنان
	فصل پنجم: هنر و ادبیات در عصر صفویه .
۱۰۲	۱- نگاهی کلی به هنر معماری و نقاشی و ادبیات در این عصر
۱۱۴	۲- قهوه خانه و رابطه آن با هنر در عصر صفوی
	فصل ششم: انحطاط اخلاقی و اوضاع اجتماعی در اواخر دوره صفوی
۱۲۴	

.....

الف

مقدمه

در این رساله درباره وضع اجتماعی دیرهای صحبت میکنیم که پیر از دوسه قرن نگرانی و آشفتگی در کشور ایران حکومتی مشکل و متمرکز تشکیل یافته است. این نگرانیها که با حملات مغول و پیر از آن یورشهای تیمور گورکانی در اجتماع ایران بوجود آمده بود باعث تجزیه سیاسی و اجتماعی کشور ایران شده بود، بطوریکه ایران تا قبل از بر سر کار آمدن دولت صفویه بصورت واحدهای مجزا و بطور ملوک الطوائفی اداره میشد و معلوم است که در چنین وضعی بی سر و سامانی و پریشانی در اجتماع ایران بعد اعلان رسیده بود. اصول اخلاقی زیرپا مانده و حمیت و طبیعت خواهی از افراد اجتماع دور گشته بود، با اینهمه نابسامانی و نگرانی و آشفتگی مسلم است با شکون شدن دولتی جدید و تشکیل حکومتی واحد بر اجتماع ایرانی بنحوی بارز و آشکار اثر میگذارد. خرابیها ترمیم مییابد و بناها و راهها ساخته میشود، کاروانسراها برای استراحت و استقرار کاروانهای مسافری و بازرگانی تاسیس مییابد و بالاخره سطح زندگانی عمومی در وضع شایسته^{ای} قرار میگیرد.

بجرات میتوان گفت که عصر صفویه نقطه عطفی در تاریخ سیاست سیاسی و

اجتماعی و اقتصادی ایران است، چه با همه فراز و نشیب‌هایی که در نظام رهبری صفویان دیده می‌شود و با همه هماهنگی‌ها و ناهماهنگی‌های اصولی که در راه اداره و حکومت این عصر وجود داشت نوعی اتحاد و همبستگی عقیدتی و ملتسی در اجتماع ایرانی بوجود آورد که این خود باعث پیدایش احساس امنیت و آرامش در جامعه و در نتیجه ترقی کسب و کار و تجارت گردید. ره آورد آن بهبود وضع اقتصادی و سیاسی و نتیجه فاشی آن آسایش و رفاه نسبی اجماع آن عصر بود.

در این عصر نفوذ و قدرت شاه و رهبران حکومت نیز تاثیر زیادی در چگونگی وضع زندگی مردم داشت، چه با نفوذ مذهبی و روحانی که شاهان این عصر در توده مردم داشتند الگوی کاملی برای عامه مردم از نظر خصال و صفات انسانی بودند و اخلاق و رفتار و سکنات آنان در مد نظر همگان بود، از طرفی رفاه عمومی بستگی کامل به قدرت و تسلط و نفوذ شاه در امور مملکتی و حکومتی داشت، مثلاً اگر شاهی بر قدرت و تیزهوشی چون شاه عباس کبیر بر تخت سلطنت می نشست با شخصیت خاص خویش و با تیزبینی و حذاقتی که دارا بود جنبه‌های مختلف امور مملکتی را در نظر داشته و باالنتیجه مردم از رفاه و آسایش بیشتری برخوردار می‌شدند و دبیر ماموران دولتی بخصوص ماموران مالیات جرات از بیت‌رساندن

به مردم را نداشتند و بالعکس اگر شاهی چون اسمعیل دوم که همیشه در عیش و نوش و لهو و لعب میگذراند و یا مثل شاه سلطان حسین که در امور خرافی و مذهبی غوطه ور شده بود بر تخت تکیه میزد اوضاع مملکتی پاشیده و وضع عمومی مردم خراب میگردند، راهها ناامن و تجارت مختل و مردم پریشان میگشتند.

ظاهراً شباهت‌هایی میان جامعه عصر صفوی با جوامع قبلی وجود داشت اما در واقع بر روی هم مفهوم جامعه مبتنی بر حکومت مطلقه فردی و استبدادی بود و نظریه (حق من جانب الله) مایه تحکیم موقع شاه گشته بود. حکومت روزافزون مطلقه مذهبی در همه شئون اجتماعی و حیات سیاسی تأثیر کرد (۱). حدود جغرافیایی حکومتی زمان صفوی و تعداد شهرها و شهرستانها و ایالات بر اساس احوال و تحقیقات منابع داخلی و خارجی متفاوت است (۲). بنا بر این دست‌هایی بیت‌ملک واحد در این بررسی مشکل میگرد.

تذکره الطوک ۲۴ نام جغرافیایی را در زمان صفویه مطرح میسازد که ۲۰ نام آن متعلق به عشایر و ایلات است و "سرتوماس هربرت" نیز از ۹۰ شهر حصاردار و ۴۰۰ دهکده در سراسر حکومت صفوی یاد می‌نماید. بهر حال فهرستی را که

۱ - دکتر لعتون، ا. ک. س.، کتاب مالک و زارع در ایران، ترجمه

دکتر ضوچهرامری، چاپ تهران، ۱۳۳۹، ص ۲۱۳

۲ - صدائی، مهناهارتس، سال ۱۳۵۰، شماره ۲، صفحات ۷۲، ۷۳ و ۷۴

مینورسکی از تلفیق آرا^۱ مستشرقین و محققین نظیر کمینز و مینارو با نظریه تذکره الطوب بدست آورده قابل اطمینان تراست . مینورسکی حدود حکومتی زمان - صوفیه را بترتیب زیر آورده است .

شمال غرب شامل (آذربایجان و ماوراء قفقاز) ، مشرق شامل (خراسان بزرگ) ، شمال شامل (سواحل دریای خزر) ، جنوب شرقی شامل (کرمان) مرکز شامل (عراق) ، مغرب شامل (کردستان و لرستان) ، جنوب و جنوب غرب شامل (فارس و خوزستان) هر یک از این نواحی از شهرها و شهرستانها و بخشهای کوچکتری تشکیل مییافت که شرح آنها باعث بسط مقال و منحرف گردیدن از اصل موضوع خواهد شد . در اینجا متذکر میشویم که اصطلاح عراق بر ایالات مرکزی که بین اصفهان و همدان و نهران قرار دارند اطلاق میشود .

بتمدید جهانگردان بخصوص شاردن (۱) در این عصر کمتر کشوری در جهان مانند ایران برای سیاحت و جهانگردی مناسب بود ، خواه از جهت کمی خطرات و خواه از جهت کمی مخارج که معلول کثرت عمارات عمومی مخصوص مسافران در سراسر امپراطوری صفوی در شهرها و صحاری بوده است . سکونت در این

۱ - سفرنامه شاردن ، ترجمه محمد عیسی ، چاپ ۱۳۴۵ تهران ، جلد

عمارات برای آروانها و گنیه کسانی که برای کسب منفعت و سوداگری گام برمیداشتند اکثر رایگان بود و به علاوه در نقاط صعب العبور پلها و جاده های سطحی (شوسه) وجود داشت که بازرگانان و سوداگران براحقی برای رساندن کالا های مورد نظر خود از آن استفاده میکردند .

آرامش و امنیتی که در عصر صفویه بهمت شاهان پر قدرت در این سرزمین بوجود آمد باعث تکوین و ترقی هنر و پرورش افکار و ذوق مردم و همچنین توجه آنان بساختن مدارس و مساجد و انجام امور عام المنفعه گردید بطوریکه اشخاص متکسب برای خود و فرزندان خود اقدام بساختن اماکن عمومی میکردند ، مثلا مدارس با تاسیسات و تجهیزات لازم برای عده کثیری از محصلین و طلاب بنا نمودند .

در این باره شاردن آثار مطبوع و افتخار آمیزی بدست داده است ، مثلا او میگوید هزینه تحصیل در ایران بسیار اندک و شرایط تحصیل بسیار سهل بوده است ، زیرا ایرانیان مردمی دانش دوست و دانش پرور بوده اند و معلمین و مدرسین علاوه بر شهریه دریافتی از مردم حقوق و مقرری نیز از دولت دریافت میداشتند و لذا نسبت بنکار خود عذقه و دلگرمی زیادی نشان میدادند . شاردن میگوید در هر شهر و حتی در هر ناحیه کشور تعداد زیادی مدرسه برای مردم دایر بود . اکثر آنها بصورت شبانه روزی اداره میشد و از محصلین داخلی و خارجی پذیرائی

میکرد ، اکثر مدارس از یک مدیر (مدرس) و یک یا دو معلم تشکیل میشد .
 هم او اضافه میکند که در ایران آن زمان بودجه هنگفت و بسیار زیادی صرف
 فرهنگ میشد . تعداد مدارس (ام از متوسطه - عالی - کالج) باندازه‌های زیاد
 بود که حتی در دهات نیز مدرسه وجود داشت و منارج آنان بیش از صد هزارتومان
 بود و از محل عایدات و (مستمری و موقوفات) تامین میگردد . شاردن آمار جالبی
 نیز راجع به دانشکده‌های پایتخت داده است . او در اصفهان از ۷۵ دانشکده
 که هر کدام آنها بین ۵۰ الی ۵۵ نفر دانشجو و طلبه داشتند نام میبرد (۱) .
 بطوریکه قبلاً ذکر شد در عصر صفویه در کنار جاده‌های بزرگ کاروانسراهای
 عربی و طولی برای پذیرایی رایگان از عابرین و مسافرین بوجود آمد و بالاخره -
 پلها ساخته و مساجدی برپا نمودند . شاردن میگوید : " ایرانیان این قبیل ابنیه
 و عمارات را ثواب آخرت میدانستند و معتقد بودند که ادعیه و ازکاری که در این
 قبیل کارها خوانده و گزارده میشود ثواب عاید بانها آن میگردد " (۲) چنانکه
 امروز نیز چنین عقیده‌های وجود دارد و کلیه امور خیر و عام المنفعه بحساب آخرت
 گذاشته میشود .

-
- ۱ - مهنامه ارتش ، شماره ۲ ، سال ۱۳۵۰ ، مقاله سروان صدائی درباره عوامل
 مؤثر در تکوین و مدنیت و شهرنشینی دران صفویه ، ص ۴۷ ، بنقل از شاردن ، -
 جلد ۵ ، صفحات ۳۷ تا ۵۰ .
 ۲ - مهنامه ارتش ، مقاله آقای صدائی ، بنقل از شاردن ، جلد ۵ ، ص ۵۰

سازمان اقتصادی و صنعتی ایران با سهل ترین شرایط تشکیل میگردید و هیچگونه مانع مالی و اداری از طرف حکومت بر سر راه اهل صنعت قرار داد و نمیشد و صنایع از طرف حکومت پشتیبانی میگردید و صنایع بدینجهت در این عصر ترقی زیادی کرده بود . از صنایع مهم این عصر میتوان ابریشم کاری و ابریشم بافی فرش بافی ، منسوجات پشمی ، منسوجات نمد مرغوب و کاشی کاری را نام برد .

بازرگانی در ایران و اصولاً در شرق آنزمان بسیار مورد توجه بود . بازرگانان با سازمانهای وسیع با جهان آنروز مراودات تجاری داشتند . توجه خاص صفویه باحدات و امنیت وسافل ارتباطی و مراوه با کشورهای مختلف و بهشرف صنایع بافندگی (فرش و پارچه) موجبات رونق تجارت این عصر را فراهم آورده بود و منسوجات و صنایع مختلف ایران به کشورهای هلند ، روسیه ، هندوستان و ترکیه صادر میگردید .

مسئله مهم در این عصر مسئله زمینی و زراعت و آبیاری بود . میدانیم بطور کلی عصر صفویه ، عصر فئودالیته در ایران است و روابط رعایا و مالکان بنا بر مقتضیات گاهی خوب و گاهی غیرعادی نه بود . باید متذکر شد قسمت اعظم اجتماع این عصر را قشر رعایا تشکیل میداند که اکثر زندگی متوسط و یا متوسط پائینی داشتند و آن در اثر فشار مالکین و فشار مالیاتهای بود که با مهربان دولت از آنان در مسافت

میداشتند . گرچه این وضع با نحوه نفوذ و قدرت پادشاه و رعایان حکومت صفوی تغییر می یافت .

در این دوره آب و قدرت آبادانی آن برای مردم و دولت کاملاً مورد توجه بود و سازمانی که آب را برای کشاورزی تهیه و توزیع مینمود سازمان مجهز و مرتبی بود . ماست که این ماده حیاتی را بنحو نیکو تقسیم مینمود . ناردن تنها در — خراسان از چهل و دو هزار کاربزیادی می کند و معتقد است که در فن اکتشاف و هدایت آب هیچ کشوری بهای ایران نمیرسد . به علت محیط آرام و پراضیت زمان صفوی همراه با علاقه زیاد پادشاهان این سلسله و استعداد شگرفی که مردمان سرزمین در احیای مدنیت قدیم ایران داشتند بنحو احسن پرورش یافت و حاصل این شد که بناها و عمارات جدید بر اساس شهرها و ولایات کهن ایران بوجود آمد و زندگی شهرنشینی دوباره جانی تازه گرفت و مسوجبات تحسین جهان آنروز را فراهم آورد .

این پرورشی استعداد در کلیه شعبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی عصر صفویه اثر گذاشت بطوریکه کم کم شهرهای بزرگ و ثروتمندی در کلیه نقاط ایران جلوه گر شد و شهرهای قدیمی ایران بر اثر ثروت و مکتب و توجه دولت بصورت آبرومندی درآمدند . مثلاً اصفهان در زمان صفوی پایتخت و یکی از بزرگترین

شهرهای جهان بحساب میآید (۱).

بگفته شاردن جمعیت اصفهان بالغ بر یک میلیون و صد هزار نفر بوده است این گفته را شاردن از قول بسیاری از مورخین و نویسندگان ذکر میکند و بعضی از اقوال حداقل جمعیت را ۶۰۰۰۰۰ نفر برآورد نموده‌اند . شاردن میگوید :

اصفهان بقدر لندن که پرجمعیت‌ترین شهرهای اروپاست جمعیت دارد .

اینه و عمارات اصفهان را او بالغ بر سی و هفت هزار و دو بیست تا سیصد باب (اعم از کاخها و مساجد ، مراهمها و بازارها و کاروانسراها و دکانها) تخمین زده است که ۸۷۸۰ دستگاه آن در خارج و بقیه در داخل شهر برپا شده بود و اکثر آنها مجهز و بزرگ و مناسب بوده است .

در باره زیبایی شهر اصفهان ، شاردن اظهار نظر فراوان کرده و میگوید زیبایی این شهر در آنزمان بیشتر در کاخهای با شکوه و بیشتر عمارات مجلل و فرخ افزا ، کاروانسراهای وسیع ، بازارهای بسیار زیبا ، جداول آب و انهار و خیابان‌های آراسته به چنار در دو طرف آنست (۲) .

شهرهای دیگر نیز بموازات پایتخت ترقی نموده‌اند ، مثلا در مورد شهر قزوین توصیف زیادی نموده‌اند . قزوین در عصر صفوی شهر بزرگی بود که تقریبا

۱ - سفرنامه شاردن ، جلد هفتم ، ص ۴۹

۲ - همان کتاب ، صفحه ۵۶

در جای فعلی آن بنا شده بود، در آنزمان حصار و دیواری نداشت، وسعت آن شش میل و جمعیت آن بالغ بر صد هزار نفر بود. نقطه عمده زیبای شهر قزوین میدان وسیع شاه بود که بسبب میدان شاه اصفهان ساخته شده بود. کاخ همایونی قزوین کاخ زیبایی بود و مسجد شاه قزوین یکی از ابنیه عالی و عطرات با شکوه ایران بحساب میآید. بهترین مدرسه قزوین مدرسهای بنام خلیفه سلطان بود (۱).

دیگر از شهرهای مهم که نمونه‌های از عمران و آبادی و رفاه مردم آن عصر می‌باشد شهر تبریز است. تبریز زمان صفوی شهر بسیار بزرگ و عظیمی بوده که از لحاظ عظمت و ثروت و مکتب و جمعیت و تجارت بعد از اصفهان دومین شهر ایران بشمار میآید (۲).

این شهر دارای ۱۵۰۰۰۰ باب خانه و ۱۵۰۰۰۰ باب دکان و حجره بوده است. بازارهای تبریز آنزمان از لحاظ گنبدها و طاق‌های زیبا از نظر بزرگی و عظمت و از لحاظ کثرت گاهای مورد معاطه دارای جلال و جبروت خاصی بود که زیباترین و مهیترین آنها بازار قیصریه نام داشت. در این شهرستان ۳۰۰ دستگاه

۱ - مهنامه ارتش، شماره ۲، سال ۱۳۵۰، مقاله سروان صداتی، بنقل از

سفرنامه شاردن، جلد سوم، صفحات ۴۰۲ و ۴۰۸

۲ - همان کتاب، ص ۷۴

کاروانسرای وسیع هر کدام با گنجایش ۳۰۰ نفر مسافر وجود داشت . در تبریز
تعداد ۲۵۰ دستگاه مسجد موجود بود که مهمترین آنها مسجد علیشاه را میتوان
نام برد که دست کمی از مساجد اصفهان نداشت ، همچنین در تبریز سه دستگاه
بیمارستان مجهز و نظیف و بسیار خوب وجود داشت که از واردین در د و نوبت
پذیرائی مینمود و آنرا در تبریز (آسرافت) می گفتند . (۱)

میدان بزرگی بگنجایش ۳۰۰۰۰ سرباز وجود داشت که بقول شاردن
بزرگترین میدان عالم بشمار میآید و هر روز جمع کثیری از مردم شهر برای تفریح و
تماشا بآن میدان آمده و دور هم جمع میشدند (۲) .

جمعیت تبریز را شاردن بالغ بر ۵۵۰۰۰۰ نفر تخمین زده است ، ضمناً
اقوالی هم جمعیت این شهر را بالغ بر یک میلیون نفر میدانستند (۳) .
از صنایع تبریز میتوان قماش و پارچشم و زرگری و تهیه دستار را نام برد که
برای هر کدام از این کالاها مفازها و دکانهائی جداگانه وجود داشت .
شاردن از قول بازرگانان عمده شهر در آن زمان می گوید : سالیانه ۶۰۰۰ عدل
ابریشم در این شهر بافته میشود . تجارت تبریز در تمام ایران و ترکیه و هندوستان
و معالک شمالی دریای سیاه رواج کامل داشت .

۱ - مقاله آقای صمدانی ، مهنامه ارتش ، ص ۷۵

۲ و ۳ - همان ماخذ ، صفحه ۷۶

ل

از شرح مختصر فوق میتوان تا اندازهای به رفاه و آسودگی و بهبود وضع مردم شهرهای بزرگ پی برد، ولی باید دانست که در دهکده‌ها و حومه‌شهرها وضع تغییر محسوس داشته و بطور کلی سطح زندگی در روستاها با شهرها تفاوت کلی پیدا میکند. رفاه و آسایش مردم شهرها و شهرنشینان از دسترنج و زحمات رعایا که خود در بدبختی و فقرت زندگی میکردند تامین میشد و این طبقه زحمتکش اکثرا در وضع بدی زندگی میکردند. اگرچه بعضی از سباهان مانند شاردن از بهبود زندگی این مردم در عصر بخصوص (زمان شاه عباس) صحبت میکنند ولی همیشه اینطور نبوده و در اکثریتدیران صفوی رعایا تحت فشار و در بدبختی بسر میبردند. اگر مملکت آرام بود مأمورین مالیاتی و مقاطعه کاران بجان این بیچاره‌ها میافتادند و اگر جنگی در میگرفت تامین قوت سربازان و قشون دولتی کمر اینان را زیر بار سنگینی خم میکرد. بهر حال این طبقه اکثر در زحمت و مشقت بودند. وضع کسبه و صنعتکاران به مراتب از این مردم بهتر بود و با توجهی که شاهان صفوی و در نتیجه بزرگان و درباریان و صاحب منصبان به صنعت و هنر میذول میداشتند این طبقه تقریبا در رفاه بسر میبردند.

باید متذکر شد که در سراسر عصر صفویه وضع چنانکه گفته شد نبود، راست و این اوضاع با چگونگی رهبری و حداقت و قدرت پادشاهان نسبت مستقیم داشته